تأملاتی درباره امکان توافق جامع ایران با غرب

عباس ملکی* • محمدرضا موحدی**

درحالی‌که مذاکرات وین به‌منظور احیای توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) جریان دارد، این سؤال را می‌توان طرح کرد که به فرض بازگشت همه طرف‌ها به تعهدات خود و رفع تحریم‌ها، میزان پایبندی طرف‌های غربی به تعهدات خود در درازمدت چگونه خواهد بود؟ در این نوشتار، با بهره‌گیری از دو مثال تاریخی دور و نزدیک و بررسی توافق برجام و نقطه ضعف اصلی آن، استدلال شده است که با توجه به شرایط ژئوپلیتیک جهانی و وضعیت اقتصادی کشور، تغییر سیاست ایران به‌منظور دستیابی به یک توافق جامع و پایدار با غرب، هم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و هم تصمیمی شجاعانه و مدیرانه برای اعتلا و پایداری نظام جمهوری اسلامی است. در این راستا، با تشریح توان گفت‌وگو و برگ‌های برنده‌ای که ایران برای یک معامله منصفانه با غرب دارد، نشان داده شده که اولاً غرب در راستای منافع خود احتمالاً آماده ارائه امتیازات قابل قبولی برای توافق خواهد بود و ثانیاً، دستیابی به چنین توافقی، لزوماً مستلزم وادادگی در مقابل غرب و عقب‌نشینی‌های اساسی جمهوری اسلامی از مواضع خود نیست، بلکه برعکس، این امر می‌تواند منجر به بازشدن افق‌های جدیدی در داخل کشور برای پیشبرد سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی و در صحنه بین‌المللی برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای و جهانی کشور شود.

۱-پذیرش قطع‌نامه

در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، درحالی‌که نزدیک به یک سال از صدور قطع‌نامه ۵۹۸ که در ابتدا مورد قبول ایران قرار نگرفت، گذشته بود و در شرایطی که دشمن عراقی در چند ماه آخر جنگ موفق شده بود پیشروی‌های ایران در خاکش در عملیات‌های متعدد را به عقب براند؛ امام خمینی(ره) به‌طور غیرمنتظره با قبول قطع‌نامه موافقت کردند و در پیامی که دو روز بعد از آن منتشر شد، قبول قطع‌نامه را به‌مثابه جام زهری دانستند که با ملاحظه شرایط و برای مصلحت کشور نوشیده‌اند. در این پیام، امام ضمن پافشاری بر سیاست مبارزه با استکبار، تأکید کردند در قبول قطع‌نامه از حرف گذشته خود مبنی بر ادامه جنگ تا سقوط رژیم بعثی برگشته‌اند: «مردم عزیز و شریف ایران... شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هرآنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام.»

کار امام در پذیرش قطع‌نامه در چنین شرایطی، بدون تردید یکی از سخت‌ترین و شجاعانه‌ترین تصمیماتی بود که یک رهبر می‌تواند بگیرد. برگشتن از حرف و هدفی که هزاران ایرانی برای تحقق آن تلاش کرده بودند، می‌توانست وفاداران به نظام جمهوری اسلامی را از آن ناامید کند و منجر به نارضایتی آنان شود. دریکی، دو روز اول بعد از قبول قطع‌نامه، همه کشور ناگهان در بهت و سرگشتگی فرورفت. پیام امام در دو روز بعد که در آن مسئولیت قبول قطع‌نامه را پذیرفت و صادقانه با مردم از مصلحت کشور در این امر سخن گفت، مجدداً چنان شاید اگر حکم جام زهری که در آن مقطع برای مصلحت کشور نوشیده شد و در ابتدا به دائقه ایرانیان تلخ آمد، در نهایت به شربتی شیرین برای کشور و نظام تبدیل شد که کشور سال‌ها از شهد آن بهره‌مند شد.

۲-صلح به‌عنوان مقدمه پیروزی

در سال ششم هجرت، پیامبر اکرم(ص) به همراه گروه زیادی از مسلمانان به نیت حج عمره از مدینه به سمت مکه حرکت کردند. با وجود آنکه به دستور پیامبر، مسلمانان در این سفر با خود سلاح همراه نداشتند، سران قریش بر این نظر بودند که به هیچ قیمت نمی‌توانند تلقی کردند. سران قریش بر این نظر بودند که به هیچ قیمت نمی‌توانند اجازه دهند محمد(ص) و یارانش در این شرایط وارد مکه شوند؛ چون این تصور را برای اعراب ایجاد می‌کرد که مسلمین به زور وارد مکه شده‌اند. فرستادگانی از دو طرف گسیل شدند و پیام‌هایی ردوبدل شد. سرانجام در محل چاه‌های حدیبیه، پیمانی بین پیامبر و قریش امضا شد. بر اساس این پیمان، دو طرف توافق کردند به مدت ۱۰ سال دست از جنگ با یکدیگر بردارند. پیامبر پذیرفت در آن سال بدون گزاردن عمره به مدینه بازگردند. اما از سال بعد از آن، هر سال مسلمین امکان یافتند برای سه روز به مکه وارد شده و عمره بجا آورند. همچنین مسلمانان تعهد کردند که هر نازه‌مسلمانی که از مکه به مدینه پناهنده شود، به مکه بازگردانده، اما اگر کسی از مدینه به مکه پناهنده شد، قریش موظف به بازگرداندن او نبود.

برای مسلمانان همراه پیامبر که همواره سران قریش را مشرک و دشمن اصلی خود می‌دانستند، پذیرش صلح از جنبه دشمنی آن‌هم با چنین شرایطی، بسیار سخت بود. بسیاری از مسلمانان ترجیح می‌دادند با آنکه به قدرت خود، مکه را فتح کنند و بنابراین قبول صلح با قریش را ننگ تلقی می‌کردند. در برخی تواریخ نقل شده است وقتی پیامبر به همراهان خود دستور داد به علامت پایان عمره، شترها را قربانی کرده و سرهای خود را بتراشند، برخی زبان به اعتراض گشودند. در این میان بود که سوره فتح بر پیامبر اکرم نازل شد که این پیمان را فتح مبین نامید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا». بعد از سه سال وقتی مکه فتح شد، مسلمین دریافتند که در حقیقت، فتح مکه را مدیون صلح حدیبیه هستند. اولاً، نفس انعقاد این پیمان به این معنا بود که قریش موجودیت سیاسی دولت مدینه را پذیرفته است. ثانیاً، این صلح باعث شد رسول خدا فرصتی برای بسط دعوت خویش در سایر نقاط جزیره‌العرب و حتی خارج از آن پیدا کند. به‌علاوه، حضور مسلمین در حج در سال‌های بعد و تعامل مستقیم آنان با مردم مکه و سایر قبایل، تبلیغات منفی قریش علیه مسلمانان را خنثی کرد و به تدریج بسیاری از اهالی مکه و از جمله برخی سران مشرکان نیز اسلام آوردند. همچنین، پس از این پیمان، آن دسته از قبایلی که برای پیوستن به مسلمانان از خشم قریش هراسان بودند، توانستند با مسلمانان هم‌پیمان شوند.

در داستان صلح حدیبیه نیز نقش رهبری شجاعانه و مدیرانه به‌روشنی نمایان است. در این قضیه نیز ظاهربینان کوته‌نگر، آن را خواری برای مسلمین و متضاد با آرمان‌های اسلامی تلقی کردند و شاید اگر حکم جام زهری البته، شعارهای آنان می‌توانست در داخل امت اسلامی شکاف ایجاد کند؛ اما در طول زمان معلوم شد این صلح، مقدمه فیروزیخش نظام کفر و شرک در مکه قرار گرفته است.

نکته مهمی که می‌توان در مقایسه با قضیه قبول قطع‌نامه به آن اشاره کرد، این است که بر اساس نظر برخی مورخان، در حدیبیه پیمان صلح بین پیامبر اسلام و سران قریش در زمانی انعقاد یافت که جبهه اسلام در شرایط قوت نسبی بود، نه در شرایط ضعف. تاریخ نشان داد پیروزی‌هایی که صلح حدیبیه توانست نصیب جبهه اسلام کند، با ادامه جنگ با قریش حاصل نشده‌است. توقفی بر فرسایش بنیه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بود و به هزینه‌های ایشانشده جنگ برای کشور خاتمه داد.

-کذر زمان نشان داد اگر امام در آن مقطع با پایان جنگ موافقت نمی‌کردند، ادامه جنگ هر روز با دستاوردهای بیشتری برای ایران همراه بود. به‌علاوه اگر امام پیش از پایان جنگ رحلت می‌کردند، بنابراین دید کسانی که جنگ را